

## بسمه تعالی

### مسجد در قرآن و روایات

آیت الله حسین انصاریان

#### مسجد

مسجد خانه خدا و محل عبادت و برترین و شریف‌ترین مکان روی زمین است؛ مسجد مرکز اتصال قلب و روح به محبوب حقیقی و جای شنیدن دعوت حضرت دوست به سوی خیر و کمال است. مسجد، آباد کننده دل، تصفیه کننده جان و مرکز تجلی انوار ربوبی بر قلب مؤمنان است. مسجد، خانه هدایت و مرکز تربیت و جایگاه اهل معرفت و محل سوز و گداز عاشقان الهی است. مسجد جای خردمندان، خانه برکت برای مستمندان و جای مناجات دردمندان و سرزمین برآورده شدن نیاز حاجت‌مندان است.

مسجد خانه قرآن، مدرسه عشق، مکتب دانش، مرز بینش و محل گرفتن فیوضات ربانی از عالم قدس است. مسجد جایگاه نزول برکات، مرکز تدارک مافات و صحنه پیکار با عوامل شیطان و جای نجات از درکات است. مسجد، پلی به سوی بهشت و راهی به سوی فضیلت و طریقی به طرف هدایت و دلیلی به سوی نقطه وصال برای فراق زدگان است.

مسجد، جایی است که عبادت و بندگی در آن، افضل و برتر از سایر مکان‌ها است و آباد نگاه داشتن آن از اعظم عبادات و قربات است.

مسجد، جایگاه بسیج عباد خدا برای عبادت و خدمت به خلق، امر به معروف و نهی از منکر، حل مشکلات مسلمانان و آمادگی جهت جهاد و مبارزه با دشمنان خدا و انسانیت است.

مسجد، مرکزی است که امروز قدرش مجهول و فردای قیامت برای آنان که حقش را ادا نکردند، بزرگ‌ترین اندوه و حسرت و واسطه شرمساری و خجالت در پیشگاه حضرت دوست است!

#### مسجد در قرآن

کتاب خدا برای مسجد فضیلتی بس بلند و مقامی بس ارجمند قائل است که توجه به عمق آن آیات، انسان را به معنویت و روحانیت و ارزش مسجد آگاه می‌نماید.

آنان که با مسجد دشمنی ورزند و دست به خرابی ظاهر و باطن مسجد بیالایند و سعی در تعطیل بنای مسجد یا متوقف شدن مسائل الهی در آن کنند، بنا به فرموده قرآن از ستمکارترین مردم روی زمینند.

﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُدْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ [۱].

و چه کسانی ستمکارتر از کسانی می‌باشند که از بردن نام خدا در مساجد خدا جلوگیری کردند، و در خرابی آن‌ها کوشیدند؟ آنان را شایسته نیست که در آن [مراکز عبادت] در آیند، جز در حال ترس [از عدالت و انتقام خدا]. برای آنان در دنیا خواری و زبونی است و در آخرت عذابی بزرگ است.

تفسیر «پرتوی از قرآن» با استفاده از آیات و روایات و مسائل تاریخی و طبیعی و غریزی، در ذیل این آیه چنین می‌گوید «۲»:

مگر جز این است که غرائز و قوای حیوانی در آدمی منشأ هر ستم و تجاوز است؟ تنها محیطی که این غرائز را محدود و وجدان حق جویی و عدالت خواهی را بیدار و فعال می‌گرداند، همان محیطهایی است که به نام خدا و حق و عدل بر پا گشته و به نام مسجد که محل سجده برای خدا و اخضاع سرکشی‌هاست، نامیده شده است. اگر خودبینی و امتیازجویی آدمی و صورت‌ها و اندیشه‌های ناشی از آن در حریم مساجد راه یافت، صورت و معنای خدایی مسجد را ویران می‌کند و ظاهر آن را از رونق می‌اندازد.

چون مساجد ویران گردید، بند و حدی برای سرکشی غرائز نمی‌ماند و جلو هر ستمی باز می‌گردد، پس آنان که دیگران را از مساجد ممنوع و به خود محدود می‌سازند و نور فطرت خدایی را خاموش و نام غیر خدا را بلند می‌کنند از هر ظالمی ظالم‌ترند!!

بعضی از مفسران، این آیه را نازل در پیش آمد حدیبیه و منع مشرکین عرب، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و اصحابش را از ورود به مکه دانسته‌اند، گرچه اول آیه با این داستان تطبیق می‌کند، ولی آخر آیه [وَسَعَى فِي خَرَابِهَا] «۳» با این شأن نزول درست نمی‌آید، چون مشرکین عرب هیچ گاه در خرابی کعبه نکوشیدند، بلکه همیشه به پا نگهدارنده و آبادکننده آن بودند، مگر آن که مقصود، تنها خرابی معنوی و از جهت ذکر خدا باشد.

به هر حال ظاهر آیه را نمی‌توان ناظر به واقعه مخصوصی دانست و هیچ قرینه‌ای برای چنین تطبیقی در میان نیست، این آیه بیان حقیقی است کلی و شامل حوادث گذشته مانند خرابی‌های بیت المقدس و زمان نزول آیه مانند منع مشرکین در واقعه حدیبیه و آینده مانند خرابی‌های صلیبی‌ها و قرامطه از مساجد و هم چنین بی‌رونق شدن معابد و مساجد امروز که همه نتیجه و آثار شوم اختلاف و تضاد منتسبین به ادیان است که معابد و مساجد را سنگری برای انشا و ابراز اختلافات و تأمین هواها و منافع خود ساخته‌اند.

شایسته مقام مساجد و پاسداری پایه گذاران و طرفداران آن این است که با قلبی هراسناک از خوف خدا و مسؤولیت نسبت به مساجد در آن در آیند تا دیگران را به خشوع و سجده وادارند؛ نه آن که بر خدا و خلق سرکشی نمایند و مساجد را به صورت پایگاه تحمیل اندیشه‌ها و سنگر جنگ آرا و عقاید شخصی خود گردانند. یا چون مساجد را از صورت اصلی خود خارج کردند و نسبت به آن خائن گشته و چون وظیفه پاسداری آن‌ها را انجام ندادند، در حقیقت از آن بیگانه و رانده شدند و جز در حال ترس و نگرانی نبایستی در آن وارد شوند.

یا آن‌که با اختلافات خود، چون مانع باطنی برای مردم در مساجد پیش آوردند و به خرابی آن کوشیدند و آن را از وضع اولی منحرف ساختند، یگانه پایگاه خود را سست و راه را برای غلبه دیگران باز کردند، تا آنجا که در مساجد که محل امن و آرامش است، خود جز با هراس و نگرانی نتوانند وارد شوند.

آن گروه‌هایی که رابطه و اجتماعاتشان بر اساس دین و پایگاه قدرتشان مسجد است، همین که اساس و مرکزیت پایگاهشان سست و بی‌پا گردید، قدرتشان به ضعف و عزتشان به ذلت بر می‌گردد و بیش از زبونی در دنیا عذاب‌های بزرگ تری در پیش دارند.

مسئولیت مسلمانان نسبت به مسجد خیلی مهم و سنگین است، مسلمان باید در حفظ ظاهر و باطن مسجد بکوشد و وجودش کانون جاذبه مردم به سوی مساجد باشد.

ائمه مساجد لازم است که آراسته به علم، تقوا و بینش سیاسی و اجتماعی و پیراسته از صفات مذموم و دارای حسنات اخلاقی باشند، تا در سایه کمالات آنان مردم به مساجد هجوم برده بر غرائز و سرکشی‌های آنان زمام و مهار الهی بزنند.

[قُلْ أَمْرٌ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ] «۴».

بگو: پروردگرم به میانه‌روی [در همه امور و به اجتناب از افراط و تفریط] فرمان داده، و [امر فرموده]: در هر مسجدی [به هنگام عبادت] روی [دل] خود را [آن‌گونه] متوجه خدا کنید [که از هر چیزی غیر او منقطع شود]، و او را در حالی که ایمان و عبادت را برای وی از هر گونه شرکی خالص می‌کنید بخوانید؛ همان‌گونه که شما را آفرید، [پس از مرگ به او] باز می‌گردید.

[إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مِنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَ لَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَى أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ] «۵».

آباد کردن مساجد خدا فقط در صلاحیت کسانی است که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و نماز را بر پا داشته و زکات پرداخته و جز از خدا نترسیده‌اند؛ پس امید است که اینان از راه یافتگان باشند.

[لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ، فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ] «۶».

قطعا مسجدی که از نخستین روز بر پایه تقوا بنا شده شایسته‌تر است که در آن [به نماز و عبادت] بایستی، در آن مردانی هستند که خواهان پاکیزگی [و طهارت جسم و جان] هستند و خدا پاکیزگان را دوست دارد.

از آیات شریفه‌ای که ذکر شد، روشن می‌شود که خداوند بزرگ به مساجدی که به دست مردم مؤمن بنیان‌گذاری شده و مسلمانان در آن مساجد خود را به تربیت و فضیلت می‌آریند و از این مراکز به تزکیه نفس و محدود کردن غرائز و آبادی دنیا و آخرت اقدام می‌کنند، سخت علاقه‌مند است و در مرحله بعد استفاده می‌شود که اگر مساجد از نظر هدایت آباد شد و آبادی هدایت آن هم بستگی به عمل مردم و علما به شرایط مسجد دارد، مسلمانان در تمام جنبه‌های حیات و زندگی بر دشمنان خود پیروز و دارای عزت دارین خواهند بود!!

## مسجد در روایات

روایات و احادیث اسلامی درباره مسجد، مسائل بسیار مهمی را طرح کرده‌اند که بر تمام مسلمانان لازم است آن‌ها را رعایت کرده و از این راه خشنودی حضرت حق و پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام را جلب کنند.

... سَمِعْتُ أَبَاعَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: شَكَتِ الْمَسَاجِدُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى الَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَهَا مِنْ جِيرَانِهَا، فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهَا: وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا قَبْلَتُ لَهُمْ صَلَاةً وَاحِدَةً وَلَا أَظْهَرْتُ لَهُمْ فِي النَّاسِ عَدَالَةً وَلَا نَالْتَهُمْ رَحْمَتِي وَلَا جَاوَرُونِي فِي جَنَّتِي «٧».

راوی می‌گوید: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که مساجد به پروردگار عالم از همسایگانی که در آن شرکت نمی‌کنند، شکایت بردند. خطاب رسید که: به عزت و جلالم سوگند، در صورت استخفاف به مساجد یک نماز از آنان قبول نمی‌کنم و آنان را به عدالت در بین مردم آشکار نمی‌نمایم و به رحمتم نمی‌رسند و در بهشت مجاور من نخواهد بود.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: كُونُوا فِي الدُّنْيَا أَضْيَافًا، وَاتَّخِذُوا الْمَسَاجِدَ بُيُوتًا وَعُودُوا قُلُوبَكُمْ الرِّقَّةَ وَأَكْثِرُوا مِنَ التَّفَكُّرِ وَالْبُكَاءِ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ، وَاجْعَلُوا الْمَوْتَ نَصَبَ أَعْيُنِكُمْ وَمَا بَعْدَهُ مِنْ أَهْوَالِ الْقِيَامَةِ تَبْنُونَ مَا لَا تَسْكُنُونَ وَتَجْمَعُونَ مَا لَا تَأْكُلُونَ فَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ «٨».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در دنیا مهمان باشید، این دلبستگی‌ها و آرزوها شایسته مهمان نیست، مساجد را به عنوان خانه اصلی خود بگیرید، دل‌ها را به رقت عادت دهید، زیاد اندیشه کنید و از خشیت حق گریه داشته باشید، موت و احوال قیامت را نصب العین قرار دهید، این چه زندگی غلطی است که ساختمانی کرده‌اید که در آن سکنی ندارید و آن قدر جمع کرده‌اید که برای شما قدرت خوردن نیست، از خدایی که به سوی او باز می‌گردید، پروا کنید!

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

رفت و آمد به مسجد یکی از این منافع را دارد:

برادری که برادریش سود خدایی دارد.

تحصیل علم جدید و تازه.

دانستن آیه محکمه.

برخورد به رحمت منتظره.

یاد گرفتن کلمه هدایت که انسان را از گمراهی برهاند.

شنیدن کلامی که راهبر به سوی راه خداست.

ترک گناه از ترس حق یا حیا از حضرت باری «٩».

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَيْسَ لِجَارِ الْمَسْجِدِ صَلَاةً إِذَا لَمْ يَشْهَدْ الْمَكْتُوبَةَ فِي الْمَسْجِدِ إِذَا كَانَ فَارِعًا صَحِيحًا «١٠».

علی علیه السلام فرمود: همسایه مسجد اگر از هر جهت فراغت و صحت داشته باشد، باید برای نماز واجب به مسجد بیاید که با بودن فراغت و صحت، حق نماز در جای دیگر برای او نیست.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

هر کس به مسجدی از مساجد خدا برای نماز جماعت برود، برای هر قدمی که برمی‌دارد هفتاد هزار حسنه منظور شود و به همان اندازه در جاتش بالا رود «۱۱».

عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: يَجِيءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثَلَاثَةٌ يَشْكُونَ: الْمُصْحَفُ، وَالْمَسْجِدُ، وَالْعِتْرَةُ، يَقُولُ الْمُصْحَفُ: يَا رَبِّ حَرِّفُونِي «۲۱» وَمَزَقُونِي وَيَقُولُ الْمَسْجِدُ: يَا رَبِّ عَطَّلُونِي وَضَيَّعُونِي، وَتَقُولُ الْعِتْرَةُ: يَا رَبِّ قَتَلُونَا وَطَرَدُونَا وَشَرَّدُونَا، فَأَجْتُوا لِلرُّكْبَتَيْنِ فِي الْخُصُومَةِ فَيَقُولُ اللَّهُ لِي: أَنَا أَوْلَى بِذَلِكَ «۱۳».

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در قیامت، سه چیز به حضرت حق شکایت برند:

قرآن، مسجد، عترت.

قرآن می‌گوید: پروردگارا! مرا از نظر معنی تغییر داده و پاره کردند. مسجد می‌گوید: پروردگارا! مرا بیکار گذاردند و ضایع نمودند. عترت می‌گوید: الهی! ما را کشتند و راندند و آواره کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: من برای احقاق حق این‌ها در پیشگاه حضرت حق زانو می‌زنم. خداوند می‌فرماید: من به محاکمه خائنان به این سه برنامه سزاوارترم.

در شرح این حدیث آمده:

مراد از مصداق کامل مسجد در این روایت مسجد پیغمبر است که در زمان آن حضرت مرکز حکومت اسلامی بود و باید از آنجا عدالت و احکام حقیقی قرآن به همه جای جهان پراکنده شود.

و مصداق کامل طرف خصومت این سه چیز غاصبین خلافت اسلام‌اند که قرآن مجید را به رأی خود تفسیر کردند و احکام آن را که متضمن نظام عدالت عمومی بود پاره پاره کردند و استفاده از مزایای آن را به عرب و اشراف قریش و بنی امیه اختصاص دادند و دیگران را محروم کردند. با این که قرآن، برابری و برادری را برای همه بشر آورده و همه نژادها و تیره‌ها در پیشگاه او برابر و فضیلت وابسته به تقوا است.

پاره پاره شدن احکام الهی قرآن در حقیقت پس از مرگ پیامبر صلی الله علیه و آله به دست غاصبین شروع شد و خلیفه دوم در طول خلافت خود جامعه اسلامی را طبقه طبقه کرد: عرب‌ها را طبقه اشراف قرار داد و بر سر مردم مسلط ساخت، قانون‌هایی وضع کرد که مسلمانان غیر عرب را از حقوق اجتماعی اسلامی محروم کرد و به هم دستی همکاران و احزاب هم فکر خود نظامات عمومی اسلامی را تکه تکه کرد و در دوران بنی‌امیه که با حکومت عثمان آغاز شد، نظریات خلیفه دوم به اوج ترقی رسید و بنی‌امیه در دوران صد ساله حکومت خود آن نظریات را قانون اساسی خود قرار دادند!!

بنی امیه در آن نظریات به اندازه‌ای پافشاری کردند که قرآن و اسلام و مساجد و عترت به کلی تنهای از جامعه ماندند و جز سلطنت غاصبانه و دیکتاتوری به وسیله نژاد بنی امیه و سپس بنی عباس برای مسلمانان چیزی نماند!! حتی ظاهر قرآن در زمان عثمان سوزانده شد و در زمان ولید، قرآن مجید تیرباران و تکه تکه گشت.

مسجد که رمز حکومت اسلامی و اساس پخش تعلیمات الهی بود، در زمان بعد از پیامبر، تعطیل و حکومت عادلانه تبدیل به حکومت عربی دیکتاتوری گردید و با تعطیلی مسجد پیامبر، در حقیقت همه مساجد عالم از هویت اصلی و ذاتیش تعطیل شد و از مساجد جز یک سلسله برنامه‌های خشک و ظاهر چیزی نماند.

و اما عترت پیامبر، آن‌چنان دچار سختی و فشار زندگی شدند که عترت و اهل بیت هیچ پیامبری و هیچ مسلمانی به اندازه آنان رنج و زحمت ندید؛ داستان کربلا و واقعه طف و حره و ... نشانگر سختی‌های طاقت‌فرسایی است که عترت نبی اکرم صلی الله علیه و آله از دست مردم به ظاهر مسلمان کشیدند.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

در تورات نوشته شده: خانه‌های من در زمین مساجد است، خوشا به حال بنده‌ای که در خانه‌اش تطهیر کند و در مسجد به زیارت من آید، بر من است که کرامت نصیب زائر من کنم، آنان را که در تاریکی شب به مساجد می‌آیند، بشارت به نور درخشان در قیامت بده «۱۴».

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

برای مساجد مردمی است که از شدت علاقه و توجه به مسجد، گویی مانند میخ‌های کوبنده به مسجندند، ملائکه همشین آنانند، چون غایب شوند، از آنان جستجو کنند و به هنگام بیماری از آنان عیادت نمایند و به وقت حاجت به آنان کمک دهند «۱۵».

امام صادق علیه السلام از پدران‌ش از حضرت علی علیه السلام نقل می‌کند:

همسایه مسجد را نماز نیست مگر در مسجد، مگر این که برای او عذری یا علتی باشد. عرض کردند: همسایه مسجد کیست یا امیر المؤمنین؟ فرمود: کسی که اذان را می‌شنود «۱۶».

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

نشستن در مسجد به انتظار نماز، عبادت است «۱۷».

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

هر گاه خداوند اهل قریه‌ای را ببیند که در گناه اسراف می‌کنند، ولی سه نفر مؤمن در آن‌هاست، خطاب می‌کند: ای اهل گناه! اگر در میان شما مؤمنان متحاین به جلالم نبودند که به خاطر نماز آنان زمین و مساجدم آباد است و از ترس من در سحر در حال استغفارند، همانا آینه عذابم را بر شما نازل کرده و باکی نداشتم «۱۸».

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

نشستن در مسجد به انتظار نماز عبادت است، اگر حدثی در آن نباشد. گفتند: حدث چیست؟ فرمود: غیبت «۱۹».

## پی نوشت ها:

- (۱) - بقره (۲): ۱۱۴.
- (۲) - تفسیر پرتوی از قرآن: ۱/ ۲۷۳، ذیل آیه ۱۱۴ سوره بقره.
- (۳) - بقره (۲): ۱۱۴.
- (۴) - اعراف (۷): ۲۹.
- (۵) - توبه (۹): ۱۸.
- (۶) - توبه (۹): ۱۰۸.
- (۷) - الأمالی، شیخ طوسی: ۶۹۶، حدیث ۱۴۸۵؛ بحار الأنوار: ۸۰ / ۳۴۸، باب ۸ حدیث ۱.
- (۸) - اعلام الدین: ۳۶۵، باب عدد اسماء الله تعالی، حدیث ۳۳؛ بحار الأنوار: ۸۰ / ۳۵۱، باب ۸ حدیث ۳.
- (۹) - میزان الحکمة: ۵ / ۲۳۹۶ به نقل از الأمالی، شیخ صدوق: ۳۱۸.
- (۱۰) - وسائل الشیعة: ۵ / ۱۹۵، باب ۲، حدیث ۶۳۱۴؛ بحار الأنوار: ۸۰ / ۳۵۴، باب ۸ حدیث ۳.
- (۱۱) - بحار الأنوار: ۷۳ / ۳۳۶، باب ۶۷، حدیث ۱ (در ضمن حدیث).
- (۲۱) - در بعضی نسخه‌ها «حرقونی» آمده است.
- (۳۱) - بحار الأنوار: ۸۰ / ۳۶۸، باب ۸ حدیث ۲۶.
- (۱۴) - من لا یحضره الفقیه: ۱ / ۲۳۹، باب فضل المساجد، حدیث ۷۲۰؛ بحار الأنوار: ۸۰ / ۳۷۳، باب ۸ حدیث ۳۷.
- (۱۵) - بحار الأنوار: ۸۰ / ۳۷۳، باب ۸ حدیث ۳۸.
- (۱۶) - بحار الأنوار: ۸۰ / ۳۷۹، باب ۸ حدیث ۴۷؛ مستدرک الوسائل: ۳ / ۳۵۶، باب ۲، حدیث ۳۷۶۷.
- (۱۷) - الکافی: ۲ / ۳۵۶، باب الغیبة والبهت، حدیث ۱؛ بحار الأنوار: ۸۰ / ۳۸۰، باب ۸ حدیث ۴۷.
- (۱۸) - الأمالی، صدوق: ۱۹۹، المجلس السادس والثلاثون، حدیث ۸؛ بحار الأنوار: ۸۰ / ۳۸۳، باب ۸ حدیث ۵۷.
- (۱۹) - بحار الأنوار: ۸۰ / ۳۸۴، حدیث ۶۰.

منبع: مرکز رسیدگی به امور مساجد